

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۷، شماره ۶۳، بهار ۱۴۰۴، صص ۱۳۶-۱۵۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸

(مقاله پژوهشی)

DOI:

۱۳۶

تحلیل محتوایی و ساختاری مدایح دینی حسین منزوی

مرضیه داودی مقدم^۱، دکتر فرهاد دیوسالار^۲، دکتر حسن شوندی^۳، دکتر نسترن صفاری^۴

چکیده

مدیحه‌سرایی از موضوعات غالب شعر فارسی است. در تحقیق حاضر ابتدا مدح در لغت و اصطلاح بررسی شده، سپس ضمن معرفی حسین منزوی و بیان جایگاه برجسته او در شعر معاصر، مدایح دینی وی از حیث محتوا و ساختار بررسی شده است. روش پژوهش کتابخانه‌ای، نوع پژوهش اسنادی- توصیفی و جامعه آماری اشعار آیینی حسین منزوی بود که نمونه‌هایی از اشعار وی از جمله تماشای ایزدی، آئینه تاریخ، پیلۀ بهشت، گنج شایگان، باغ نرگس و ... مورد بررسی قرار گرفت. منزوی به عنوان شاعری شناخته می‌شود که در عرصه غزل به موفقیت‌های بزرگی دست یافته و شهرت وی بیشتر به خاطر غزل‌های اوست؛ اما در کنار این غزلیات بخش دیگری از اشعار خود را به مسائل مذهبی نیز اختصاص داده است. وی در مثنوی‌ها و قصایدی به مدح ذات مقدس باری تعالی، ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) و بیشتر ائمه، پرداخته است. شیفتگی و علاقمندی شاعر در مدح ائمه اطهار (ع) و پیامبران و توجه به مضامین الهی و انسانی، ذیل اومانیسیم اسلامی حائز اهمیت است. مضامین نهفته در این مدایح دینی همان مفاهیمی است که در دوره‌های پیشین مشاهده می‌شود و جز در برخی موارد اثری از نوآوری در مضمون این قصیده‌ها دیده نمی‌شود. شاعر با بهره‌گیری از عاطفه صادقانه، واژه‌ها و ترکیب‌هایی ساده را برای القای این مضامین برگزیده است. از حیث ساختاری نیز مجموعه‌ای از تناسب‌ها و توازن‌های آوایی و واژگانی و نحوی، ساختار نظام‌مندی به قصیده‌های دینی منزوی بخشیده است.

واژگان کلیدی: حسین منزوی، شعر معاصر، اومانیسیم اسلامی، مدایح دینی، شعر آئینی.

^۱. دانشجوی دکترای گروه ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

marzieh3363@gmail.com

^۲. استادیار گروه ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤول)

divsalarf@yahoo.com

^۳. استادیار گروه ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

hsh50165@yahoo.com

^۴. استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

safarinastaran@yahoo.com

مقدمه

تحلیل محتوایی و ساختاری آثار ادبی، در قرن حاضر کم و بیش مورد توجه معاصران و ناقدان قرار گرفته است. مداخل دینی از دیر باز یکی از انواع ادبی مورد توجه شاعران بوده و هست. بسیاری از ادیبان و سخنوران با بهره‌گیری از قریحه خدادادی و طبع لطیف، از این مضمون والا در شعر خود استفاده کرده و دست به آفرینش ابیاتی زیبا در این باره زده و به این وسیله، نام خود را بر تارک ادبیات متعهد جاودانه کرده‌اند. شعر مدیح عمدتاً در پی آموزش گزاره‌های والای اخلاقی است، به همین جهت توجه به مضامین الهی و انسانی ذیل اومانیسیم اسلامی حائز اهمیت است.

حسین منزوی یکی از صدها شاعر متعهد به شمار می‌رود که با استمداد از طبع لطیف شاعرانه، التزام خویش را به ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام با سرودن قصایدی چند با محوریت دینی، ابراز داشته است. در این جستار به بررسی ساختاری و محتوایی مداخل در اشعار آئینی حسین منزوی می‌پردازیم؛ لذا در ابتدا به ارائه مبانی نظری پژوهش و تعریف مدح از زمان پیدایش تا عصر معاصر پرداخته شده، پس از آن نگاهی گذرا به زندگی شاعر و اساسی ترین مضامین شعری وی ارائه گردیده است و در ادامه به تحلیل محتوایی و ساختاری مداخل دینی حسین منزوی می‌پردازیم. در این پژوهش بر آن بوده‌ایم تا اثرپذیری شاعر را از میراث دینی با ارائه مضامینی چند و نیز با بهره‌گیری از دستاوردهای علوم بلاغی به نمایش بگذاریم. اگرچه اشعار این شاعر بارها مورد توجه نویسندگان و محققان قرار گرفته و شعر وی نقد و بررسی شده، اما از یک سو مداخل دینی او کمتر مورد اهتمام بوده و از سوی دیگر تاکنون تحقیقی که از منظر تحلیل محتوایی- ساختاری به نقد اشعار آئینی وی پرداخته باشد، یافت نشده است.

پیشینه تحقیق

با وجود این که حسین منزوی شاعری برجسته در عصر معاصر است و همچنین با توجه به جستجوی فراوان در پی دستیابی به پژوهش یا پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله پیش رو، می‌توان گفت پژوهشی که به طور دقیق و متمرکز در حوزه تحلیل محتوایی و ساختاری مداخل دینی این شاعر به حساب آید، دیده نشد، اما آثار، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی در خصوص شعر وی نوشته شده است که هر کدام تنها به بخشی از موضوع پرداخته‌اند.

به عنوان نمونه پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقد و تحلیل درون‌مایه‌های اشعار حسین منزوی» نوشته محمد علی اکبری فیض آبادی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یزد، مهرماه ۱۳۸۹، که در این پایان‌نامه شرح مختصری از زندگی منزوی بدست داده شده است، سپس ویژگی‌های شعر منزوی از دو دیدگاه کلی - زبانی و محتوایی - بررسی گردیده و شیوه‌های عدول هنجار زبان در شعر او مورد کنکاش قرار گرفته است و در ادامه بحث درون‌مایه‌های عاشقانه شعر منزوی در فصلی جداگانه تحت عناوینی چون معشوق، عشق، احوال عاشقی، وصال هجران، بررسی شده، در فصل آخر نیز درون‌مایه‌های اجتماعی و دیگر مضامین پراکنده شعر او مورد نقد و تحلیل قرار داده شده است.

پایان‌نامه دیگری با عنوان «بررسی زندگی، شخصیت، آثار و درون‌مایه‌های اشعار حسین منزوی» نوشته فاطمه جوادی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۳۹۰، این پژوهش درباره زندگی، شخصیت و درون‌مایه‌های اشعار حسین منزوی است. منزوی در اشعارش به مضامینی همچون عشق، مسائل اجتماعی و مسائل مذهبی پرداخته است، اما بیشتر شهرت و موفقیت حسین منزوی به خاطر غزل‌های اوست که توانسته در لباس قدیمی سنت بار عاطفی شعر معاصر را به دوش بکشد و به مخاطب منتقل کند.

در مقاله «تحلیل محتوای اشعار حسین منزوی» نوشته دکتر رضا بیات، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سروده‌های منزوی از لحاظ کمی و کیفی و رویکرد او در عاشقانه‌ها، اجتماعیات و مذهب بررسی و آشکار شده است.

مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اخلاق اجتماعی در شعر حسین منزوی» نوشته دکتر احسان شفیقی و صدیقه لقمان نیا، مجوعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی ۴-۶ شهریور ماه ۱۳۹۴.

در این پژوهش مسئله اخلاق اجتماعی و شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن از دیدگاه‌های مختلف از جمله دیدگاه حکمای گذشته، دیدگاه نظریه پردازان معاصر و همچنین از منظر ادیان مختلف و دین مبین اسلام بررسی شده که برآیند آن تبیین جایگاه حیاتی اخلاق اجتماعی در جوامع انسانیست.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، و شیوه جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای

است که مبتنی بر مطالعه دیوان حسین منزوی، پژوهش‌های انجام گرفته درباره مدایح دینی می‌باشد؛ لذا دیوان منزوی به عنوان منبع اصلی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر تحلیل شواهد درون متنی با مراجعه به مصادر کتابخانه‌ای و الکترونیکی مرتبط با موضوع پژوهش به این شیوه سامان یافته که اشعار منزوی در دو رویکرد تحلیل درونمایه‌های مدایح دینی و بررسی ساختار این مدایح مورد بررسی قرار گرفته است بنابراین جهت پردازش هر یک از رویکردهای وی، ابتدا مضامین مورد پژوهش از دیوان منزوی استخراج گشته، پس از شرح مدایح وی بر اساس شواهد موجود در کتاب مذکور، به تحلیل محتوایی و ساختاری آن‌ها ذیل مضمون مرتبط به آن بحث پرداخته شده است. در این راستا از منابع مرتبط و مورد نیاز جهت تحلیل و تفسیر موضوع مورد بحث استفاده نموده‌ایم.

مبانی تحقیق

نگاهی کوتاه به زندگینامه حسین منزوی

منزوی در پاییز سال ۱۳۲۵ در زنجان به دنیا آمد. وی سال‌های آغازین زندگی‌اش را در روستاهای آن شهر سپری کرد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاهش به پایان رساند و در سال ۱۳۴۴ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. اولین دفتر شعر منزوی در سال ۱۳۵۰ با همکاری انتشارات بامداد به چاپ رسید و با همان مجموعه برنده جایزه اولین دوره شعر فروغ هم شد و به عنوان بهترین شاعر جوان آن دوره معرفی گردید. حنجره زخمی تغزل، مطرح ترین شعر جوان در سال پنجاه بود. شاعر که با این مجموعه امید فراوانی در میان هواداران شعر نو برانگیخته بود، بعدها عمده‌تاً به غزل سرایی روی آورد. (ر.ک: لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۰)

آثار حسین منزوی عبارتند از: با عشق در حوالی فاجعه، این ترک پارسی گوی، از شوکران و شکر، با سیاوش از آتش (گزیده اشعار به انتخاب خود شاعر)، از ترمه و تغزل، از ترمه و تغزل، از کهربا و کافور، با عشق تاب می‌آورم، به همین سادگی، این کاغذین جامه، از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها، حنجره زخمی تغزل، مجموعه اشعار حسین منزوی (انتشارات آفرینش و نگاه ۱۳۸۸)، حیدربابا، دومان، نگاه زیتونی.

منزوی در بیشتر قالب‌های شعر فارسی همچون سبک نیمایی، سپید، دو بیتی، غزل، چهارپاره، مثنوی و ... طبع آزمایی کرده است؛ اما مسلماً شهرت شاعری او به خاطر غزلیاتش است. بی-

شک حسین منزوی یکی از تأثیرگذارترین و بزرگ‌ترین غزل‌پردازان معاصر است. او در سال‌های پایانی عمر به زادگاه خود بازگشت و تا هنگام مرگ در آنجا باقی ماند. منزوی هرگز کار دولتی نداشت و تنها از راه انتشار شعرهایش گذران عمر کرد. وی در اردیبهشت ۱۳۸۳ در تهران چشم از جهان فرو بست.

اومانیسم اسلامی

واژه «اومانیسم» (Humanism) برگرفته از ریشه لاتین «humanitas» است که از سوی افرادی همچون «سیسرو» (Cicero) در دوران کلاسیک برای اشاره به ارزش‌های فرهنگی ناشی از آموزش و تعلیم آزاد (Liberal Education) به کار رفت. یکی از مهم‌ترین دلالت‌های این عبارت، مطالعه امر انسانی (studia humanitas) است که حوزه‌های مختلف هنری، زبان، ادبیات، تاریخ و فلسفه اخلاق را دربرمی‌گیرد. (Herde, 1973:515)

از اومانیسم و ظهور آن در اسلام تفاسیر مختلفی به ویژه در دوران متأخر ارائه گردیده است. «محمد ارکون» بر آن است که «در گفتمان انسان گرا، لفظ مکتوب باید به دو نکته توجه کامل داشته باشد: یکی هدف مشترکی که همه سخن‌گویان شرکت‌کننده در بحث منظور دارند؛ دیگری مسیر استدلالی شخصی هریک از افراد» (ارکون، ۱۳۹۵: ۱۹) ارکون با اشاره به سخن مشهور توحیدی مبنی بر اینکه «انسان سرگشته خویش است»، آن را سبب ساز محوریت انسان در آثار وی برمی‌شمارد؛ محوریتی که البته از ابعاد معنوی و دینی و التزام به تعالیم مذهبی غفلت نمی‌کند.

درواقع مراد از اومانیسم اسلامی، خوانشی است مبتنی بر بازبینی انتقادی مضامینی از آموزه‌های دینی که بنا به مقتضیات مختلف سیاسی، ایدئولوژیک و تاریخی در حاشیه قرار گرفته و به ویژه از انسان که مخاطب اصلی دین بوده، غفلت نموده است. در عین حال تلقی اومانیستی از اسلام نیز خود قرائتی بشری است که در جای خود می‌تواند قابل نقد باشد.

مدح در لغت و اصطلاح

مدح عبارت از ستایش، تمجید و تعریف نیکو از ممدوح است و در نظم و نثر می‌تواند منبعث از انگیزه‌هایی مانند تکسب جهت گذراندن زندگی و تأمین وجه معاش، کسب شهرت و نام‌آوری، کسب پاداش و اجر اخروی یا تحقق آمال قلبی و انتشار اوصاف پسندیده ممدوح از روی علاقه قلبی و خلوص باشد. صاحبان سخن در تعریف لغوی واژه مدح این کلمه را نقیض

هجا و بدگویی و به معنای شنای نیکو آورده‌اند؛ لذا مدح تعبیر از ستودن و برتر انگاری ممدوح از جهت یا جهاتی است، چنان که قدامه بن جعفر عقیده دارد «مدح حقیقی تنها در فضایل انسانی باید صورت پذیرد نه صفات جسمانی و یا عرضی و شعرا باید در مدح انسان به چهار نکته اصلی، یعنی عقل، شجاعت، عدل و عفت توجه کنند و ممدوح باید دارای این صفات باشد؛ در غیر این صورت، شاعر در مدح به خطا رفته و مدحی جامع ارائه نداده است.» (قدامه بن جعفر، ۱۴۲۰ق: ۲۰)

مدح در شعر توانسته است در قالب یکی از اغراض اساسی قرار گیرد و در راستای دستیابی به هدف یا اهدافی بیان گردد، بنابراین شعر مدحی ستایشی است که شاعر از ممدوح خود می‌کند و ضمن آن سجایای اخلاقی وی را برمی‌شمرد و از رفتار و موفقیت‌های او تمجید می‌کند و زبان به بزرگداشت او می‌گشاید.» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۳۹) با عنایت به این نکته که غرض شعری یادشده از جمله اغراض قدیمی شعر است و از آن به عنوان ابزار تبلیغ و بزرگنمایی حکومت‌ها و حاکمان استفاده می‌شد، باید گفت مدح مضمونی است که در شعر اکثر شاعران به چشم می‌خورد و گاهی نیز توأم با اغراق است. (ر.ک: محسنی نیا و جهادی، ۱۳۸۹: ۴۴)

به دنبال ظهور دین مبین اسلام و دعوت حضرت ختمی مرتبت به اسلام، شاعرانی مانند حسان بن ثابت انصاری، کعب بن زهیر کعب بن مالک و دیگران به جرگه پیروان آن حضرت پیوستند و در راستای اشاعه حقانیت و استواری آیین پیامبر اسلام ﷺ چکامه‌هایی سرودند که مدح آن حضرت، مضامین برجسته این چکامه‌ها را تشکیل داده است. از آغاز اسلام تاکنون مدح و ستایش پیامبر ﷺ در شمار مضامین مورد علاقه و توجه شاعران دینی بوده و است، از این رو در شعرهای دینی - مذهبی «یکی از موضوعات مدح، التزام به مدح حضرت محمد ﷺ است که شاعران اکثراً به جهت یمن و تبرک و کسب ثواب و اجر اخروی به این مهم پرداخته و کوشیده‌اند در این راه تمام تلاش و هنر شعری خویش را به کار گیرند. این زمینه حتی به عنوان میدانی جهت مفاخره برای شاعران مطرح شده است؛ و شعرا از اعصار قدیم سعی داشته‌اند در این عرصه گوی سبقت از یکدیگر برابند و خویش را به لقب شاعر حضرت رسول مفتخر سازند.» (مبارک، ۱۹۹۷: ۲۷)

بحث

قالب اشعار مدح حسین منزوی شامل سه بخش است: قالب‌های سنتی، نوسروده‌ها و اشعار

آیینی. بخش اشعار آیینی وی شامل موارد زیر می‌شود: ستایش پروردگار متعال (تماشای ایزدی)، در ستایش قرآن کریم (کتاب عشق)، در نعت حضرت رسول اکرم (ص) (آئینه تاریخ و پیله بهشت)، در نعت مادر پیامبر اکرم (ص) (آفتابی تازه)، در نعت امیرالمؤمنین (ع) (ای نماز تو عاشقانه... و سیمرغ)، در ستایش حضرت زهرا (س) (ناخدای کشتی مولا و چلچراغ)، در نعت امام حسن مجتبی (ع) (زیباترین)، در نعت حضرت سیدالشهدا امام حسین (ع) (تو کشتی نجات و ...)، در آفرین حضرت زینب (س) (امیره زینب)، در آفرین ماه بنی هاشم حضرت عباس (ع) (ای ماه فلک گردان) و در مدح و منقبت امامان چهارم تا دوازدهم (ع).

با این وجود در میان غزل‌های آزادش نیز ۱۵ سروده آیینی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد این مجموعه از اشعار را در یک بازه زمانی خاصی با دلایل خاصی سروده است چرا که کیفیت اشعار هم با یکدیگر متفاوت هستند. در این پژوهش به جهت اختصار تنها بخشی از مدایح دینی منزوی به لحاظ محتوایی و ساختاری بررسی می‌گردد.

مدح و ستایش خداوند متعال

شعر در مدح خداوند متعال در آثار بیشتر شاعران ایران و همچنین شاعران مذهب گرای معاصر دیده می‌شود. شعر منزوی نیز در مدح خداوند متعال از انواع شعرهای دلشین و پر محتواست. اشعار آیینی منزوی با غزل تماشای ایزد آغاز می‌شود، که در توصیف عظمت و بزرگی پروردگار متعال است. در این شعر، منزوی به جاوید و ماندگار بودن خدای بزرگ، عشق به خدا، همچنین قدرت آفرینش و ازلی بودن وجود خداوند و فضل و جلال و جمال مطلق او اشاره می‌کند. همچنین برخی از صفات ذات باری تعالی را نام می‌برد. منزوی در این غزل اعتقاد به توحید را اذعان می‌دارد و می‌گوید که هرگز شک در آیات خداوند راه نداد و اوست که خوب مطلق است:

ای خوب بی مضایقه و پاک سرمدی	وارسته آستان جلالیت ز هر بدی
آه تمام خدای خوانده خود آیت کسان، که کس	آمد تمام از تو، تو از کس نیامدی
گفتی: «شو» و جهان همه شد و آنکه از فراز	ببرق به نام خویش به بام جهان زدی
گفتی: «بمیر» و مُرد که تا مرگ را کنی	دیبچه‌یی برای حیات مجدّدی
آن کس که ابتداهش نبود، انتها نداشت	این رمز جاودانگی است و مخلصدی

(منزوی، ۱۳۸۸: ۹۷۳)

حب راستین به پیامبر اکرم (ص)

پیامبر اکرم (ص) شخصیتی اسطوره‌ای و فرا مذهبی در دین مبین اسلام به شمار می‌رود و همه ملت‌های مسلمان، صرف نظر از هر مذهب و زبانی، آن حضرت را خاتم پیامبران دانسته‌اند؛ پیامبری که در ادبیات این اقوام و مذاهب نیز راه یافته است.

حسین منزوی نیز با اشعاری زیبا و ماندگار نقش خود را در حوزه مدح پیامبر (ص) به خوبی ایفا کرده است. منزوی در این قصیده بسیار زیبا ابتدا به چگونگی مبعوث شدن حضرت رسول اکرم (ص) اشاره می‌کند. همچنین به رها شدن دنیا از سیاهی خود پرستی در سایه پیامبری ایشان اشاره می‌کند و صفاتی چند از پیامبر گرامی اسلام می‌شمارد مانند سفیر، بشیر، نذیر، آینه امید ...

و آن گاه بانگی در درون غار پیچید	... ناگه در غار حرا نوری درخشید
مدتر از جا خیر «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»	یک بانک شور انگیز : «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»
ای هم بشیر و هم نذیرم، یا محمد (ص)	ای هم رسول و هم سفیرم، یا محمد

(همان: ۹۷۷)

گویی حسین منزوی خود را مسئول تبلیغ دین اسلام می‌داند و شعر خود را آینه‌دار اسلام می‌بیند. نمی‌توان جز این نیز اندیشید، چرا که این از ویژگی‌های یک شاعر مذهبی و معتقد می‌باشد که بخشی از هنر خود را در خدمت اعتقادات و تبلیغ عقاید خود قرار می‌دهد بی آنکه برای خوشایند کسی این کار را انجام دهد؛ بلکه تنها در راستای خواهش قلبی‌اش این کار را انجام می‌دهد و از انجام آن لذت می‌جوید:

آزادی از زنجیرها، آزاد می‌شد	اوراق چهل و گمرهی، برباد می‌شد
تا حق به لطف او رقم می‌خورد نامش	باطل از قهر او قلم می‌خورد نامش
تنها نه نقش سینه تاریخ می‌شد	اسلام خود آینه تاریخ می‌شد
تا چار صد سال دگه بعد از هزارش	شعر بلند من شود آینه دارش

(منزوی، ۱۳۸۸: ۹۷۸)

منزوی در قصیده‌ای هم بیشتر به مدح شخصیت پیامبر (ص) پرداخته است و صفاتی چند برای حضرت برمی‌شمارد و خود را عاجز از مدح حضرت رسول معرفی می‌کند:

خورشید مکه! ماه مدینه! رسول من! ای خاکسار مدحت تو، بر تراب‌ها

شمع زبان بریده چه لافد ز آفتاب؟ گنگم که در هوای تو دیده‌است خواب‌ها
 «من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدن» ای پبله بهشت! نیارم تنیدنت
 (همان : ۹۸۰)

برتری پیامبر (ص) بر همه موجودات هستی

در میان شاعران مداح همواره رایج بوده است که ممدوح خود را چون خورشید و دیگر شاهان را مانند ماه معرفی می‌کردند (ر.ک: محسنی نیا، ۱۳۸۸: ۴۳). خداوند در سوره مبارکه بَیِّنَه، پیامبر (ص)، علی (ع) و شیعیان ایشان را خیر البریه می‌داند. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَلَيْكَ هُمْ خَيْرَ الْبَرِيَّةِ» (بنیه/۷) «و آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکو کار شدند آن‌ها به حقیقت بهترین اهل عالمند.»

منزوی با پیروی از آیه ۷ سوره مبارکه بَیِّنَه، پیامبر (ص) را بهترین آفریده خدا می‌داند و با اثر پذیری از آیه فوق به این امر اشاره می‌کند:

ای برگزیده همه انتخاب‌ها قرآن تو، کتاب تمام کتاب‌ها
 اندیشه تو تیشه به اصل بدی زده ای ریشه همیشه ترین انقلاب‌ها
 سرمشق زمین و آسمانی که نام توست بر لوح شب نوشته به خط شهاب‌ها
 ستایش دختر پیامبر اسلام حضرت زهرا (س)

حضرت فاطمه (س) آئینه تمام نمای فداکاری، عصمت، دفاع از حریم ولایت و دهها سجایای انسانی است. وی سرور و سیره تمام زنان عالم، دخت نبی اکرم و ساقی کوثر و سرمایه و افتخار تمام زنان و مادران مسلمانی است که پیرو راه اویند. شخصیت، حیات و منزلت آن بانوی بزرگ در ادبیات فارسی به خصوص آئینه شعر بازتاب گسترده‌ای دارد. منزوی در دو قصیده «ناخدای کشتی مولا» و «چلچراغ» به منقبت حضرت فاطمه (س) پرداخته است. او از فاطمه زهرا با نام‌ها و القاب زهره زهرا، صدیقه کبری، ام ابیها، نور چشم مصطفی و ... یاد کرده است. یکی از فضایل غیر قابل انکار حضرت فاطمه فرمایش حضرت محمد (ص) است که ایشان را سرور زنان دو جهان معرفی فرمود و این منزلت را شیعه و سنی کاملاً پذیرفته‌اند. منزوی با تلمیح به این حدیث متواتر، تصریح کرده است که هیچ زنی همچون فاطمه پا بر عرصه خاک نخواهد نهاد و این همان اعتقاد به قول رسول (ص) است:

تو نور چشم مصطفی و کس به جز تو در شأن شمع محفل طاها شدن نیست

تو مادر سبطینی و غیر از تو کس را
جز تو زنی را شوکت در باغ هستی
و آن گاه در چشم خدا پیدا شدن نیست
(منزوی، ۱۳۸۸: ۹۹۰)

۱۴۵

در منقبت حضرت ولی عصر (عج)

انتظار فرج

انتظار فرج، چشم به راه بودن برای ظهور حضرت مهدی (عج) است، که ظهورش را موجب گشایش و برپایی صلح و عدالت در همه جهان دانسته‌اند. در احادیث معصومان، انتظار فرج، برترین و محبوب ترین عمل و شرط پذیرش سایر اعمال شمرده شده است. ایمان به ظهور منجی بشریت و انتظار برپایی عدالت با آمدن او، مختص شیعیان نیست، بلکه در بین اهل سنت و حتی غیر مسلمانان نیز به چشم می‌خورد. منزوی با چند بیت امید خود را به دیدار حضرت ابراز می‌دارد:

صبح سحر که پر نگشوده است، آفتاب
روشن به توست چشمم و در پیشواز تو
می‌آیی و سمند تو را، عشق در رکاب
کوچک ترین ستاره چشمانم آفتاب
جز تو به شوق ما، چه کسی می‌دهد
با شوق وصول دست ز عالم فشانده‌ایم
(همان: ۱۰۱۸)

سطوح تحلیل ساختاری

در تحلیل شعر، ابتدا قالب و پیکره شعر به عنوان عینی‌ترین نمود بیرونی آن در کنار موسیقی کلی شعر از نظر خواهد گذشت؛ سپس توجه می‌شود که این پیکره را با کدام گونه از سازه‌های زبانی ایجاد کرده است. محورهای گزینش و ترکیب (جانشینی و همنشینی) چگونه کارساز بوده‌اند و الفت‌های درونی شعر از نظر سازگاری زبان شعر با مضمون و محتوای آن - اعم از ذهنی یا محسوس - چه گونه است. محصول چنین کاوشی کشف ارزش‌های زیبایی شناختی اثر خواهد بود. منتقد ساخت‌گرا می‌کوشد تا همه این جنبه‌ها را در زبان شعر و یا ساختار زبانی آن بکاود. (امامی، ۱۳۸۲: ۳۸)

زبان شعر دارای سطوح مختلف آوایی، صرفی، نحوی، بلاغی و هنری است. این سطوح در هم تنیده شده و از هم جدا نیستند. در تحلیل ساختاری شعر، به بررسی این سطوح پرداخته می‌شود:

سطح آوایی

ارزش‌های آوایی، نقطه آغاز در توصیف ساختار زبانی شعر است. زیرا روشن کننده تقارن‌ها، همنشینی و حضور واژه‌ها و حروف و کیفیت‌های مربوط به ایقاع و نغمه‌ها یا سازواری‌های آوایی و موسیقایی است. در سطح آوایی منتقد به دنبال آن است تا دریابد «شاعر از چه نظام موسیقایی در شعر خود بهره گرفته و این نظام چگونه در خدمت شاعر و القای معنا قرار گرفته است.» (علوی مقدم، ۱۳۸۱: ۱۸۱) بررسی قافیه، ردیف و صنایع لفظی نیز از دیگر مواردی است که در تحلیل آوایی متن بدان پرداخته می‌شود.

سطح واژگانی

شعر آفرینش زیبایی با واژه‌هاست و واژگان در زبان شعر اهمیت خاصی دارند. شعر دارای الگوی پیچیده‌ای است «رابت فراست می‌گوید: شعر نوعی اجرا، به وسیله کلمات است، اما باید دانست که واژه‌ها به تنهایی فاقد ارزشند، اعتبار آنها در قرار گرفتنشان در یک بافت ساختاری است.» (علی پور، ۱۳۷۸: ۳۰)

گزینش‌های واژگانی در ذهن شاعر به کمک الگوهای تثبیت شده‌ای صورت می‌گیرد که تجربه‌مندی‌ها و قریحه شاعری و مناسبت‌های دیگر، آنها را پدید آورده است. در این الگوها، بعضی از واژه‌ها برای شاعر، همزاد مضامین و تصویرها هستند و حذف آنها موجب زوال شعر می‌شود به گونه‌ای که هیچ واژه دیگری نمی‌تواند جای آنها را بگیرد؛ در عین حال این واژه‌ها، ارزش‌های بلاغی - موسیقایی و القایی خود را مدیون ساختار نحوی و محور همنشینی هستند. کاربردهای مجازی و استعاری که نوعی جا به جایی در محور جانشینی زبان است و نیز بررسی واژگان پربسامد و محوری در تحلیل واژگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سطح نحوی

در ساخت نحوی شعر، محور هم نشینی دارای نقش اصلی و جنبه مهمی از تحلیل ساختار شعر را تشکیل می‌دهد و ارزش کارسازی در شعریت شعر دارد زیرا آرایش واژگانی علاوه بر ایجاد مفاهیم، دارای نقش مهمی در بالا بردن توان القایی، موسیقایی و زیبایی شناختی شعر

است و به ویژه ارزش‌های موسیقایی شعر، اعم از میانی و پایانی یعنی توزیع، همصدایی، صنایع لفظی، قافیه و ردیف در همین حوزه شکل می‌گیرد. در ساخت نحوی، آرایش واژه‌ها در مسیر کلیت اثر است زیرا همه دلالت‌های جزئی در خدمت دلالت کلی اثر عمل می‌کنند. واژه‌ها معنای خود را از جمله‌ها و عبارات می‌گیرند و عمق معنای جمله‌ها و عبارات نیز در گرو مفهوم کلی شعر است. ساختار نحو شامل عناصری است که در اصل سازنده یک اثر شاعرانه است. «در این سطح پیوند واژه‌ها با یکدیگر در محور هم‌نشینی، نقد و بررسی می‌شود، به ارتباط واژه‌ها با یکدیگر در سطح دستوری و نحوی پرداخته می‌شود.» (علوی مقدم، ۱۳۸۱: ۸۹) منتقد ساخت‌گرا می‌کوشد تا نوع جملات، مستقیم یا غیر مستقیم بودن نحو جمله‌ها، کوتاه و بلند بودن آن‌ها، باستان گرایی نحوی و توازن نحوی را نیز در تحلیل ساختار متون ادبی، مورد توجه قرار دهد.

بررسی سطح آوایی

یکی از موفقیت‌های حسین منزوی در سرودن مداخل مذهبی، توجه وی به شبکه ارتباطی عناصر مادی و معنوی موجود در شعرش است که ساختار یک قالب شعری را تشکیل می‌دهد، وی در این نوع شعری بین وزن و محتوا ارتباط برقرار کرده است. قالب بسیاری از اشعار آئینی منزوی قصیده ذکر شده است. از حیث سطح آوایی، وزن اشعار آئینی وی به شرح جدول زیر است:

ردیف	نام	ممدوح	قالب	وزن
۱	تماشای ایزدی	خداوند متعال	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۲	کتاب عشق	قرآن کریم	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۳	پيله عشق	پیامبر اکرم (ص)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۴	سیمرغ	امیرالمومنین (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۵	چلچراغ	حضرت زهرا (س)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۶	زیباترین	امام حسن مجتبی (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۷	تو کشتی نجات و ...	سید الشهداء (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۸	ای ماه فلک گردان!	حضرت عباس (ع)	ترکیب بند	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن
۹	شب خوشه چین ...	امام سجاد (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

۱۰	آئینه داری	امام محمد باقر (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱۱	تو خرمن جلال	امام موسی کاظم (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱۲	آن سر خط سخا	امام جواد (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱۳	جان مستدام	امام علی النقی (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱۴	باغ نرگس	امام مهدی (ع)	ترکیب بند	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
۱۵	آفتابی تازه	مادر پیامبر اکرم (ص)	مثنوی	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۱۶	ای نماز تو عاشقانه	امیرالمومنین (ع)	مثنوی	فاعلاتن مفاعیلن فاعلن
۱۷	شب عاشورا	حضرت عباس (ع)	چهارپاره	مستفعیلن مستفعیلن فاعلن
۱۸	ناخدای کشتی مولا	حضرت زهرا (س)	قصیده	مستفعیلن مستفعیلن مستفعیلن فع
۱۹	طلوع تازه	امام جعفر صادق (ع)	قصیده	مفاعیلن مفاعیلن فاعلن
۲۰	گنج شایگان	امام رضا (ع)	قصیده	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فاعلن
۲۱	آئینه تاریخ	پیامبر اکرم (ص)	مثنوی	مستفعیلن مستفعیلن مستفعیلن فع

با بررسی وزن اشعار مذهبی منزوی متوجه این نکته می‌شویم که بسیاری از قصاید از نظر وزن با هم شباهت دارند: «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن»، یعنی وزن مضارع مثنی‌اخر مکفوف محذوف. در پایان برخی از قصاید نیز بیت ترکیب آمده است.

نوآوری‌ها و استفاده از برخی صنایع ادبی که منزوی در مدایح خود بکار برده است، در حوزه تحلیل سطح واژگانی کلام قرار می‌گیرد، که در زیر به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم:

عنصر عاطفه در مدایح حسین منزوی

عاطفه، حالت وجدانی است که انسان را به میل یا نفرت از چیزی سوق می‌دهد. و به دنبال آن تنفر و شادی و اندوه و خشم و رضایت است و هنگامی که شاعر در شعرش از عاطفه قوی استفاده کند، در مخاطب هم تأثیری فراوان دارد. (ر.ک: سلیمی، ۱۳۸۷: ۶۳) عاطفه ادبی نیرویی است که تلاش ادیب را به سوی یک عمل سوق می‌دهد و او را متأثر از موضوعی قرار می‌دهد که در وجود مخاطب اثر می‌گذارد. (ر.ک: عزام، ۲۰۰۵: ۲۷۰-۲۷۱) میزان حقیقی یا جعلی بودن مدح را عاطفه مشخص می‌کند؛ زیرا عاطفه یکی از انگیزه‌های عمده مدح است و شعری که عنصر عاطفه در آن قوی باشد از دل برمی‌خیزد و بر دل مخاطب خواهد نشست. (ر.ک: احمد بدوی، ۱۹۶۴: ۱۳۶).

اشعار حسین منزوی ترسیم کننده خلوص نیت، عاطفه صادقانه و عمیق شاعر نسبت به ائمه اطهار (ع) می باشد. یکی از عوامل اصلی که شعر منزوی را برتر و زیبا می سازد، ارادت خالصانه و صادقانه ایشان نسبت به امامان معصوم (ع) می باشد؛ زیرا او مفاهیم مذهبی را مطابق فهم خویش و برای دل خوش می سراید. بعنوان نمونه حسین منزوی در ابیات ذیل با سبکی روان و بدون تکلف در مدح حضرت سیدالشهدا (ع) اینگونه سخن می گوید:

ای تکنواز نابغه نینوا، حسین!	وی تکسوار واقعه کربلاء حسین!
ای از ازل نوشت سواد سرشت خویش	با سرنوشت غربت خود آشنا، حسین
از امن و عافیت، به رضایت جدا شدی	چون گشته از مدینه، جدت، جدا حسین
یک کاروان ذبیح، به همراه داشتی	از فطرت خجسته شیر خدا، حسین
یک کاروان اسیر به همراه داشتی	از عترت شکسته دل مصطفی، حسین
زان سر که رست چون گل خون بر جدا، حسین	جانبازیات به منزل آخر رسیده بود

(مجموعه اشعار، ۱۳۸۸: ۹۹۴)

شاعر ابیات فوق را با تداعی وقایع تاریخی و احادیث با مضمون حماسی سروده است. تکرار واژه ها مهم ترین و نخستین ابزار عینی کردن اندیشه ها و بروز عواطف شاعرانه است. برای نمونه تکرار «حسین» در این ابیات، افزون بر نقشی که در القای مدح ایفا کرده، تأثیری به سزا در موسیقی ابیات داشته است.

تلمیح

تلمیح از دیدگاه عبدالحسین زرین کوب این گونه تعریف می شود: قصه های مربوط به زندگی پیامبران، «نام قهرمانان قومی، نام انبیای قرآن کریم، اشخاص» (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۲۰۰) از دیدگاه روانشناسی، تلمیحات مرکزی «با خود آگاه شاعر در ارتباط هستند و به طور غیر مستقیم، علاقه ها، نفرت ها، خواسته ها و ناخواسته های او را برای ما آشکار می کنند. (ر.ک: محمدی، ۱۳۷۴: ۲۸)

تلمیح به داستان پیامبران

استفاده از تلمیح در بُعدهای وسیع آن و در جنبه های گوناگون در آثار منزوی جلب توجه می کند که نشان دهنده آگاهی وی از داستان های گذشته است. همچنین نشان دهنده تسلط باور نکردنی بر آیات قرآن و شناخت پیامبران می باشد. منزوی در ترکیب های تازه و برای بیان

مقاصد مختلف داستان‌ها و روایات و آیات را به خدمت می‌گیرد و قدرت وی در این زمینه بسیار ستودنی است. از داستان‌هایی که منزوی به آن پرداخته است؛ داستان نزول وحی در پیامبر (ص) در غار حرا است:

یک عود نا معلوم می‌افروخت انگار	بوی خوشی در گوشه‌ای می‌سوخت انگار
دروازه‌ اعصار را در هم شکسته	قید در و دیوار را درهم شکسته
و آن گاه بانگی در درون غار پیچید	ناگاه در غار «حرا» نوری درخشید
مدثر از جا خیز «اقرء بِسم ربِّک»	یک بانگ شور انگیز «اقرء بِسم ربِّک»
آورد دنیایی پدید از خون بسته	رَبِّی که انسان آفرید از خون بسته

(مجموعه اشعار، ۱۳۸۸: ۹۷۷)

تلمیح به داستان علی امیرالمؤمنین (ع) با ایتم

منزوی در ابیات زیر به داستان امام علی (ع) با ایتم اشاره می‌کند؛ وی معنای انسانیت در رفتار و کردار عطفوانه حضرت و مهربانی با یتیمان را این چنین به تصویر می‌کشد.

دل تو غصه جهان می‌خورد	بار اندوه عالمی می‌برد
- عالم رنج و راز - عالم تو	شب که می‌شد تو بودی و غم
بی‌ری شام کودکان یتیم	تا که پنهان ز خلق زیر گلیم

(همان: ۹۸۷)

تشبیه

تشبیه در لغت همانند ساختن و مثال آوردن است و در اصطلاح قرار دادن همانندی بین دو چیز یا بیشتر از دو چیز است. تشبیه دارای شگفتی و زیبایی است و پایگاه نیکویی در بلاغت دارد. برای اینکه معانی نهفته را بیرون می‌آورد، دور را نزدیک می‌سازد، بر بلندی و وضوح معانی می‌افزاید و آن را جمال و فضل می‌بخشد و به آن جامه ارجمندی و گرانقدری می‌بخشد. (ر.ک: عرفان، ۱۳۸۳: ۱۱)

بسیاری از شاعران در شعرشان تشبیهاتی به کار برده‌اند که در نوع خود ستودنی است؛ و نقشی مهم در ایجاد تصاویر زیبا و فنی دارند.

می‌گفت: ای انبوه روباهان!	با شیر تنها ماجراتان چیست؟
با شیر تنها - با حسین (ع) - این کار	در بیشه زار نینواتان چیست؟

(مجموعه اشعار، ۱۳۸۸: ۱۰۰۳)

شاعر در مصرع دوم با تشبیهی بلیغ امام حسین (ع) را در شجاعت به شیر مانند کرده است و در این ماندگی در واقع تشبیه را به تناسی سپرده و با حذف ادات تشبیه و وجه شبه، تشبیه را به بالاترین حد بلاغت رسانده است. به این معنا که شاعر ادعای همسانی مشبه و مشبه به را رد کرده است و بنا بر دیدگاه عالمان بلاغت «این نوع از تشبیه در بالاترین درجه بلاغت و رساترین، زیباترین و مؤثرترین تشبیهات است.» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۹)

مراعات النظیر

کارکرد اصلی مراعات النظیر، مضمون پردازی ادبی است و این کارکرد آن، نیاز به توضیح بیشتر ندارد. «مراعات النظیر فی نفسه تصویر آفرین است. با این حال، تصویری که این آرایه می‌آفریند، تصویری منطقی است و بر این پایه نمی‌توان آن را به خودی خود ادبی نگاشت. اینجاست که باید گفت آنچه مراعات النظیر را به سطح زبان ادبی فرا می‌برد، مضمونی است که شاعر یا نویسنده از رهگذر کاربرد آن می‌پردازد.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۱۵)

از جمله مواردی که موجب انسجام و هماهنگی بیشتر دلالت‌های جزئی شاعر گردیده، تناسب میان واژگان ابیات شعری است:

ای هفتمین امام که هفت آسمان حق	هفتاد بار گشته به گرد زمین تو
تو خرمن جمال و جلالی و آفتاب	با آن سخاش، خُردترین خوشه چین تو
وی شب گرفته آینه‌ها از ستارگان	در پیش روی شمعشعه راستین تو

(مجموعه اشعار، ۱۳۸۸: ۱۰۰۸)

تناسب میان (آسمان، زمین، آفتاب، شب، ستارگان) که همگی از یک حوزه واژگانی طبیعت انتخاب شده است، و یا هماهنگی واژگان (هفتمین، هفت و هفتاد) در بیت فوق به تأکید و تأیید مضمون مورد نظر شاعر کمک می‌کند.

در بیت زیر نیز حسین منزوی از واژگان «نسیم» و «باغ» و «نرگس» و «گل» و «بستان» و «بهار» در مضمون مدح و ستایش امام حسن عسکری (ع)، بهره برده است:

آه ای نسیمی که به باغ حق وزیدی	روح خدا گشتی و در نرگس دمیدی
تا بار بردارد گل زیباترین را	خوشبو ترین گل‌های بستان زمین را
آن گل که چشمان جهان در انتظارش	مانده است تا کی بشکفد باغ از بهارش

(همان: ۱۹۱۷)

تقابل و تضاد کلمات

تضاد، جمع کردن میان دو لفظی است که تقابل در معنا دارند. استفاده از تقابل و تخالف کلمات، یکی از شیوه‌هایی است که بر زیبایی و زیبایی سخن می‌افزاید. منزوی نیز برای برجسته ساختن زبان شعری خود از آن بهره گرفته است؛ از جمله تضاد موجود میان واژگان «حاضر، غایب» و «حضور، غیبت» در بیت زیر:

آری وجود حاضر و غایب شنیده‌ام ای آنکه غیبت تو پُر است از حضور ناب

(همان: ۱۰۱۸)

بی‌شک به کارگیری واژگان متضاد در شعر، علاوه بر برجسته ساختن آن‌ها، در انتقال مفهوم و معنای کلام نیز تأثیر بسزایی دارد و هرکدام از دو واژه متضاد، معنای دیگری را تقویت می‌کند.

ساختار نحوی

کاربرد سبک خطاب در ساختار نحوی قصیده، بیش از هر چیز، پیوند نزدیک شاعر به امام را به ذهن تداعی می‌کند. استفاده از اسلوب ندا در اکثر مدایح منزوی دلیلی است بر این ادعاست که شاعر خود را چنان به امام نزدیک می‌بیند که او را منادا قرار می‌دهد. همچنین یکی دیگر از اغراض بلاغی استعمال حرف ندا برای نشان دادن جایگاه بلند و والای مخاطب است؛ شاعر با استفاده از حرف ندا بیشتر و بهتر می‌تواند علاقه و اشتیاق خود را به مخاطب نشان دهد. بعنوان نمونه حسین منزوی در ستایش امام دهم حضرت علی النقی (ع) چنین می‌گوید:

ای رهنمای گمشدگان! هادی البشر! وی این لقب به نام تو ظرفیتش تمام
ای با همه جوانی خود آن چه «خضر» دید در آینه پدید، تو دیده به خشت خام
«هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق» «هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق»

(همان: ۱۰۱۵)

در قصیده‌ای دیگر به نام شب خوشه «چین خلوت تو» که در نعت حضرت سجاد (ع) سروده است، اینگونه آن حضرت را خطاب قرار می‌دهد:

ای چشم آسمان و زمین مانده خیره وار بر شور و جذبه‌های تو در سجده‌های تو
ای دیدن قتال غم انگیز کربلا حُزن همیشه ساخته از ماجرای تو
ای وارث پیمبر و حیدر که اختران بر آفتاب فخر کنند از ولای تو

محراب را به وقت مناجات تو، همه افتاده لرزه‌ها به تن از های‌های تو
ای یک نیای تو به نَسَب، مفخر عرب وی محور عجم به حَسَب یک نیای تو
(همان: ۱۰۰۴)

علیرغم سبک خطاب در ساخت نحوی قصیده، برخی از ابیات را نیز جمله‌های خبری تشکیل می‌دهند. زمان جمله‌ها، اغلب در گذشته بوده و بسامد بالای افعال ماضی در قصیده، رنگ تاریخی به شعر بخشیده است که نشان از آن دارد که شاعر درک صحیحی از مسائل دارد و با یقین از آن‌ها خبر می‌دهد. حسین منزوی در ابیات زیر در نعت حضرت زینب (س) این چنین می‌نویسد:

آن‌جا، در آن مخروبه کز عالم جُدا بود یک زن، امیر کاروان کربلا بود
زن نه که او مردآفرین روزگار است زن نه که او «بنت الجلال»، «أخت الوقار» است
(همان: ۹۹۷)

نتیجه‌گیری

۱. مدایح حسین منزوی به سه دسته کلی تقسیم می‌شود: قالب‌های سستی، نوسروده‌ها و اشعار آئینی. در بخش اشعار آئینی، برای هر چهارده معصوم علیهم السلام شعر دارد. مضامین نهفته در مدایح دینی همان مفاهیمی است که در دوره‌های پیشین مشاهده می‌شود و جز در برخی موارد اثری از نوآوری و ابتکار بدیع و تازه‌ای در مضمون این قصیده‌ها دیده نمی‌شود. منزوی در اشعار آئینی‌اش از حیث عاطفه و تخیل شاعری عاطفی است؛ او با بهره‌گیری از عاطفه صادقانه، واژه‌ها و ترکیب‌هایی ساده را برای القای این مضامین برگزیده است. همچنین در خلق تصاویر، شاعری شاخص و دارای مهارت ادبی به شمار می‌آید. اشعار آئینی منزوی بیانگر یک سری تاریخ نگاری‌های مستند می‌باشد که گویی سیر تاریخی موضوعی را به نظم کشیده است. سروساده‌های آئینی منزوی گاهی عرفانی است گاهی هم رنگ و بوی عصیان و مبارزه به خود می‌گیرد.

۲. با بررسی و تحلیل ساختاری قصیده‌های دینی منزوی روشن شد که مجموعه‌ای از تناسب‌ها و توازن‌های آوایی و واژگانی و نحوی، ساختار نظام‌مندی به قصیده‌ها بخشیده است. وی به شبکه ارتباطی عناصر مادی و معنوی موجود در شعرش است توجه ویژه‌ای داشته و بین وزن و محتوا ارتباط برقرار کرده است.

۳. در سطح واژگانی، ساختار واژگانی و کلمات محوری در قصاید دینی او به خوبی در خدمت اندیشه و عاطفه شاعر قرار گرفته است. تکرار یا توازن واژگانی در سطح ابیات در بخش‌های مختلف قصاید با مضمون آن‌ها هماهنگ و همسو است.

۴. از نظر ساختار نحوی، سبک خطابی و جمله‌های خبری پرکاربردترین نوع جمله در قصیده‌ها است و فعل ماضی بر دیگر صیغه‌های زمانی برتری دارد که نشان از رویکرد تاریخی آن‌هاست.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

احمد بدوی، احمد. (۱۹۶۴). *أسس النقد الأدبی عند العرب*، قاهره: الفلاجه مکتبه نهضة مصر. ارکون، محمد. (۱۳۹۵). *انسان گرایی در تفکر اسلامی*، ترجمه احسان موسوی خلخالی، تهران: طرح نقد.

امامی، نصرالله. (۱۳۸۲). *ساخت گرایی و نقد ساختاری*، اهواز: نشر ریش. پور نامداریان، تقی. (۱۳۸۱). *سفر در مه*، تهران: نگاه.

جعفری، عبدالرضا. (۱۳۸۷). *فروغ جاودانه*، تهران: انتشارات تنویر.

رزمجو، محسن. (۱۳۷۴). *انواع ادبی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

سبحانی، جعفر. (۱۳۹۲). *راهنمای حقیقت*، تهران: مشعر.

سلیمی، علی. (۱۳۸۷). *النقد و الناقدون فی الأدب العربی*، کرمانشاه: دانشگاه رازی.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *موسیقی شعر*، تهران: انتشارات آگاه.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس.

عزام، محمد. (۲۰۰۱). *النص الغائب*، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.

علوی مقدم، مهیار. (۱۳۸۱). *نظریه‌های نقد ادبی معاصر صورتگرایی و ساختارگرایی*، تهران: سمت.

علی پور، مصطفی. (۱۳۷۸). *ساختار زبان شعر امروز*، تهران: فردوس.

قدامه بن جعفر، ابوالفرج. (۱۴۲۰ق). *نقد الشعر*، قاهره: دارالکتب العلمیه.

کاظمی، روح الله. (۱۳۸۸). *سیب نقره‌ای ماه*، تهران: مروارید.

لنگرودی، شمس. (۱۳۹۰). *تاریخ تحلیلی شعر نو*. جلد ۴، تهران: انتشارات مرکز.
مبارک، محمد زکی. (۱۹۷۷). *المداخل النبویة فی الأدب العربی*، دمشق: مکتب الشرق الجديد.
محمدي، محمد حسین. (۱۳۸۵). *فرهنگ تلمیحات شعر معاصر*، تهران: نشر میترا.
منزوی، حسین. (۱۳۸۸). *مجموعه اشعار*. به کوشش محمد فتحی، تهران: انتشارات نگاه.

منابع انگلیسی

Herde, Peter. (1973). Humanism in Italy, in: dictionary of the history of ideas: studies of selected pivotal ideas, ed. By shireen T. hunter, New York, M.E. Sharpe.

References

Books

The holy Quran.

Ahmad badavi, Ahmad. (1964). *The foundations of arab criticism among the arabs*, Cairo: Al-falaga Egypt's renaissance library. [In Arabic]

Alavi Moghadam, Mahyar. (2002). *Theories of contemporary literary criticism formalism and structuralism*, Tehran: samt. [In Persian]

Alipour, Mustafa. (1999). *The language of today's poetry*, Tehran: Ferdous. [In Persian]

Emami, Nasrallah. (2003). *Constructivism and structural criticism*, Ahvaz: Rasesh publishing house. [In Persian]

Jafari, Abdul Reza. (2008). *Forough Javdaneh*, Tehran: Tanveer Publications. [In Persian]

Kazemi, Ruhollah. (2009). *Silver apple of the moon*, Tehran: Morvarid. [In Persian]

Langroudi, Shams. (2011). *Analytical history of new poetry*, Volume 4, Tehran: Center publication. [In Persian]

Mohammadi, Mohammad Hossein. (2006). *The culture of contemporary poetry allusions*, Tehran: Mitra publishing. [In Persian]

Monzavi, Hossein. (2009). *Collection of poems*, By Mohammad Fathi, Tehran: Negah publication. [In Persian]

Mubarak, Muhammad Zaki. (1977). *Prophetic praises in arabic literature*, Damascus: Maktab al-sharq al-jadid. [In Arabic]

Pour namdarian, Taghi. (2001). *Travel in the fog*, Tehran: Negah. [In Persian]

Qudama bin Jafar. (1999). *Criticism of poetry*, Cairo: Dar al-kitab al-alamia. [In Arabic]

Razmjoo, Mohsen. (1995). *Literary types*, Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]

Salimi, Ali. (2008). *Criticism and critics in arabic literature*, Kermanshah: Razi university. [In Arabic]

Shafiei Kadkani, Mohammad Reza. (1991). *Poetry music*, Tehran: Agah. [In Persian]

Shamisa, Cyrus. (2002). *A fresh look at the novel*, Tehran: Ferdous. [In Persian]

Sobhani, Jafar. (2012). *Guide of truth*, Tehran: Mashaar. [In Persian]

Uzzam, Mohammad. (2001). *Al-nas al-ghaib*, Damascus: ittihad al-ketab al-arab.
[In Arabic]



Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 17, Number 63, Spring 2025, pp. 136136-157

Date of receipt: 17/4/2024, Date of acceptance: 6/2/2025

(Research Article)

DOI:

Content and structural analysis of religious praises of Hosein Monzavi
Marzieh Davoodi Moghadam¹, Dr. Farhad Divsalar², Dr. Hassan Shavandi³, Dr.
Nastaran Safari⁴

Abstract

Praise is one of the well-known dominant Persian poetry themes. Most of these praises . This research has first investigated the lexical and idiom of the word "praise". Then Hossein Manzavi has been introduced as a contemporary poet. After that, the structure and content of his religious praises have been examined. This research was done with qualitative research method, The type of research is documentary and descriptive. The statistical population of this research is the religious poems of Hossein Manzavi, including "Tamashaye Eazadi", "Aeeneye Tarikh", "Pileye Behesht", "Ganje Shayegan", "Baghe Narges".... Monzavi is known more for his sonnets. He is very successful in his sonnets, But he has also addressed religious issues in some of his poems. Monzavi has praised God, the Prophet of Islam, and imams in some of his poems, such as his masnavis and Qasidas. The poet's fascination and interest in praising the pure imams (peace be upon them) and prophets and paying attention to divine and human themes is important under Islamic humanism.

In one of his Qasidas, he describes the glory and honesty of the Holy Quran and calls himself a lover of Quran. the religious themes of his poems are the same as the themes common in previous periods. And only in few cases, innovation is seen in these themes. The poet has chosen simple words and combinations to create these themes with an honest emotion. In terms of structure, phonetic, lexical and syntactic proportions and balances have created a systematic structure in Monzavi's poems.

Keywords: Hosein Monzavi, Modern poetry, Islamic humanism, Religious praise, Religious poems.

¹ . PhD student, Department of Arabic Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. marzieh3363@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Arabic Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding author) divsalarf@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Arabic Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. hsh50165@yahoo.com

⁴ . Assistant Professor, Department of Persian Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. safarinastaran@yahoo.com